

ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تک بعدی نزدیکی رابطه بر اساس نظریه کلاسیک و سؤال-پاسخ

هادی صمدیه^۱، فرهاد تنهای رشوانلو^۲، طلیعه سعیدی رضوانی^۳، لیلا طالب‌زاده شوشتری^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۳

چکیده

یک بعد اساسی که همراه با آن روابط فردی و اجتماعی تغییر می‌کند، نزدیکی است. هدف پژوهش حاضر اعتباریابی، بررسی ساختار عاملی و پارامترهای سؤال-پاسخ مقیاس نزدیکی رابطه بود. در یک طرح توصیفی-همبستگی و اعتباریابی آزمون، ۱۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه بیرجند در مطالعه اول و ۲۵۰ نفر در مطالعه دوم به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند و مقیاس نزدیکی رابطه (دیبل، لوین و پارک، ۲۰۱۲) را تکمیل کردند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با بررسی همسانی درونی، تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی و پارامترهای تمیز و آستانه و منحنی‌های آگاهی سؤال و آزمون انجام گرفت. نتایج نشان داد که مقیاس نزدیکی رابطه، ساختاری یک عاملی با واریانس تبیین شده ۶۳/۳۹ درصد دارد. روایی عاملی تأییدی نیز به تأیید رسید. ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و ۰/۹۳ و ضرایب دونیمه کردن ۰/۸۹ و ۰/۸۸ به ترتیب در دو مطالعه به دست آمد. شاخص‌های سؤال پاسخ در سطح مطلوبی بودند. به نظر می‌رسد مقیاس تک‌بعدی نزدیکی رابطه و به‌طور ویژه ساختار ۱۲ عبارتی آن، در دانشجویان از اعتبار و روایی مناسبی برخوردار است.

واژگان کلیدی: نزدیکی روابط، ساختار عاملی، اعتباریابی، نظریه سؤال-پاسخ.

مقدمه

دانشگاه برهه‌ای حساس و تأثیرگذار در زندگی جوانان است و غالباً با تغییرات زیادی در روابط اجتماعی آنان همراه است. در کنار این تغییرات به انتظارات و نقش‌های جدیدی نیز

۱. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

h.samadieh@mail.um.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۴. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران.

باید اشاره کرد که هم‌زمان با ورود به دانشگاه شکل می‌گیرند (دولت‌شاهی و همکاران، ۱۳۹۵). برای بسیاری از دانشجویان، گذار به آموزش عالی^۱ چالش‌برانگیز است (گیل و پارکر^۲، ۲۰۱۴)، چرا که این دوره سنی، عموماً به عنوان بازه‌ای از عمر انسان در نظر گرفته می‌شود که شخص در آن بیشتر بر اهداف فردمحور به جای دیگر محور تمرکز می‌کند و به دلیل کسب تجارب مختلف در حیطه‌های شغلی، ارتباطی و جهان‌بینی، وضعیت بی‌ثباتی را تجربه می‌کند و همچنین رفتارهای پرخطر بیشتری را مرتکب می‌شود (آرنت، ۲۰۱۸؛ به نقل از سلیمانی، حجازی، نقش و لاری، ۱۳۹۸). بسیاری از دانشجویانی که به دانشگاه وارد می‌شوند، آمادگی‌های کافی برای مواجهه با این گذار را ندارند (گراندمیر^۳، ۲۰۱۲). تحقیقات داخلی انجام شده در سال‌های اخیر نیز بیانگر وجود مسائل روان‌شناختی در سطوح مختلف دانشجویان است. افزایش مراجعه دانشجویان به بخش‌های مشاوره دانشجویی بیانگر وجود مشکلات روانی، اجتماعی و تحصیلی روزافزون در آن‌هاست (مصلی‌نژاد و امینی، ۱۳۸۳). یکی از ابعاد اصلی مرتبط با فرایند گذار در دوران دانشجویی، روابط نزدیک با همسالان است (تت، کری و کریستی^۴، ۲۰۱۷).

اگرچه معمولاً روابط اولیه در درون خانواده شکل می‌گیرد، اما به موازات رشد فرد، ارتباط او با دوستان همسال اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (رایس، ۱۳۹۰). در طول دوران دانشجویی نیاز به پیوند با یک محیط اجتماعی بزرگ‌تر شدیداً افزایش پیدا می‌کند (روث و بروکس-گان^۵، ۲۰۰۳) و به موازاتی که جوانان فرایند تفرد^۶ را آغاز می‌کنند، به صورت فزاینده‌ای زمان بیشتری را در بافت‌های اجتماعی خارج از خانواده‌شان، اغلب در جستجوی حمایت بزرگسالان غیروالدینی، می‌گذرانند (کولینز و استینبرگ^۷، ۲۰۰۶). دانشجویان زمانی که درگیر نقش‌های اجتماعی بیرون از خانواده می‌شوند و نیاز مبرم تعریف خود مطابق با گروه‌های اجتماعی جدید را رشد می‌دهند، نیازی حقیقی به احساس پذیرفته شدن در محیط دارند (کولینز و استینبرگ^۷، ۲۰۰۶؛ نیومن، لهن و نیومن^۸، ۲۰۰۷). پذیرفته شدن از

-
1. Higher education
 2. Gale & Parker
 3. Grundmeyer
 4. Tett, Cree & Christie
 5. Roth & Brooks-Gunn
 6. Individuation
 7. Collins & Steinberg,
 8. Newman, Lohman & Newman

جانب همسالان و برقراری روابط نزدیک دوستی یکی از تکالیف تحولی این دوره به حساب می‌آید و حمایت‌های اجتماعی از جانب همسالان می‌تواند در برابر مشکلات مختلف حالت محافظتی داشته باشد (برک، ۱۳۹۱). بنابراین همان‌طور که انسان تحول می‌یابد نیاز به دوست داشتن و دوست داشته شدن در وی رشد می‌یابد و عملکرد بهنجار وی به شدت تحت تأثیر کیفیت و کمیت روابط نزدیک قرار می‌گیرد (بامیستر و لیری، ۱۹۹۵؛ به نقل از صادقی و موتابی، ۱۳۹۷).

نزدیکی بین فردی^۱ در بررسی روابط فردی و اجتماعی حائز اهمیت است؛ چرا که تغییرات در نزدیکی بر طیف گسترده‌ای از پدیده‌های ارتباطی و بین فردی تأثیر می‌گذارد (لوین و مک کورناک^۲، ۱۹۹۲). نزدیکی رابطه^۳ با درک و شناخت از «خود»^۴ ایجاد می‌شود (یثو^۵، ۲۰۱۲). افراد وابسته به روابطی هستند که احساس آن‌ها از خود و نیز جایگاهشان در دنیا را مشخص می‌کنند. نزدیکی رابطه در بردارنده آن است که تا چه اندازه، ادراک‌ها و احساس‌های مثبت هر یک از طرفین به وسیله‌ی طرف دیگر پاسخ داده می‌شود (تاور و کاسل^۶، ۱۹۹۶). روابط نزدیک، اشخاص را قادر می‌سازند نیاز به پذیرفته شدن، در کانون توجه بودن، ارزشمند تلقی شدن و محبوب بودن را در اولویت قرار دهند و برای آن‌ها این فرصت را فراهم می‌کند تا چنین رفتارها و نگرش‌هایی را متقابلاً پاسخگو باشند (فلتچر^۷، ۲۰۰۲). در چنین شرایطی و با در نظر گرفتن این نکته که دشواری در کنار آمدن با دوستان و فقدان حمایت‌های عاطفی و اجتماعی، از مهم‌ترین عوامل تنش‌زا در دوران دانشجویی است (پترسون و آزنتر، ۲۰۰۱؛ به نقل از بیرامی و کشاورزی، ۱۳۹۴)، توجه به اهمیت روابط نزدیک در این گروه سنی که می‌توانند نقش منع اطلاعات، تقویت‌کنندگی و ارائه دادن الگوهای اجتماعی را داشته باشند (صالح‌زاده، فلاحی و رحیمی، ۱۳۹۶) ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین مرور مطالعات مختلف انجام شده می‌تواند در شناسایی شکاف‌های احتمالی در سازه روابط نزدیک و در جمعیت دانشجویی کمک‌کننده باشد.

-
1. Interpersonal closeness
 2. Levine, & McCornack
 3. relationship closeness
 4. Self
 5. Yew
 6. Tower & Kasl
 7. Fletcher

نتایج طرح ملی سنجش سیمای زندگی دانشجویان ایرانی که با هدف بررسی سبک زندگی دانشجویان شاغل به تحصیل دانشگاه‌های کشور در سال‌های ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ طراحی و اجرا شد، اهمیت توجه به تقویت مهارت‌های ارتباطی و نقش نزدیکی روابط در این بافت را مورد تأکید قرار می‌دهد. به عنوان مثال، حدود ۱۵ درصد از دانشجویان گزارش کردند که در طول دوران دانشجویی حداقل یک‌بار مورد قلدری قرار گرفته‌اند. ۲۵ درصد دانشجویان نیز احساس عدم دریافت حمایت اجتماعی از جانب دیگران و ۲۱ درصد نیز سابقه درگیری فیزیکی در طول یک سال را گزارش کردند (صادقی، یعقوبی، ظفر و پیروی، ۱۳۹۷). مطالعه صالح‌زاده و همکاران (۱۳۹۶) با هدف بررسی نقش عملکرد خانواده، دلبستگی به همسالان و عملکرد تحصیلی در پیش‌بینی شادکامی دختران نوجوان، نشان داد که دلبستگی به همسالان، بیشترین نقش پیش‌بینی‌کنندگی را در تجربه احساس شادکامی داشت. در پژوهش دیگری بیرامی و کشاورزی (۱۳۹۴) نیز گزارش دادند که ارتباط با همسالان می‌تواند احساس تنهایی، ناسازگاری با محیط‌های جدید و دلتنگی برای دوستان صمیمی را به‌طور منفی و معنی‌دار پیش‌بینی کند.

مطالعات خارجی نیز یافته‌های مشابهی را گزارش می‌کنند. پژوهش‌ها نشان داده که ارتباطات و نزدیکی در روابط نقش مهمی در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی و سلامت جسمانی دارند (اسکیترا^۱، ۲۰۱۷) و از طرفی وجود و کیفیت روابط نزدیک از نیرومندترین پیش‌بینی‌کننده‌های بیماری و طول عمر است (هلت-لانستاد، روبلز و اسبارا^۲، ۲۰۱۷). برای مثال، داشتن پیوندهای اجتماعی قوی با کاهش ۵۰ درصدی مرگ زود هنگام مرتبط است (هلت-لانستاد، اسمیت، بیکر، هریس و استفنسون^۳، ۲۰۱۵). دمیر^۴ (۲۰۱۰) دریافت که در جوانان، کیفیت یک رابطه به صورت نیرومندی با شادکامی عمومی مرتبط بوده و رشد دوستی‌ها بخش جدایی‌ناپذیر از رسیدن به دوران بزرگسالی است. جنرو و همکاران (۱۹۹۲) در مشاهدات بالینی خود به این نتیجه رسیدند که روابط متقابل بین بزرگسالان می‌تواند موجب تقویت صمیمیت، کاهش احساس تنهایی، خودافشایی، انعطاف‌پذیری هیجانی و

-
1. Schetter
 2. Holt-Lunstad, Robles & Sbarra
 3. Smith, Baker, Harris & Stephenson
 4. Demir

حمایت اجتماعی شود. جنرو و همکاران (۱۹۹۲) همچنین دریافته‌اند، بین رابطه متقابل و افسردگی همبستگی منفی وجود دارد.

با توجه به تبعات روان‌شناختی نزدیکی روابط، پژوهشگران به تدوین ابزارهایی جهت سنجش آن پرداخته‌اند. برسچید، اسنایدر و اوموتو^۱ (۱۹۸۹) سیاهه نزدیکی در روابط^۲ (RCI) را با اقتباس از مفهوم نزدیکی به عنوان وابستگی متقابل طراحی کردند. کلی^۳ و همکاران (۱۹۸۳) چهار ویژگی فراوانی، انواع گوناگون، نیرومندی و مدت زمان را به منظور نشان دادن یک ارتباط نزدیک پیشنهاد کرده بودند. سیاهه نزدیکی در روابط (RCI) یک چک لیست رفتاری بود که سه ویژگی نخست را با تمرکز بر فعالیتهای رایج بررسی می‌کرد. کارآیی این مقیاس در زمان حاضر با محدودیت‌هایی از قبیل شامل نشدن اشکال مدرن تعامل و فعالیت‌ها همانند ایمیل، موبایل و شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تکیه بر شیوه‌های سنتی تر ارتباط و تعامل همانند رفتن به سینما، تماشای تلویزیون و.. (برسچید و همکاران، ۱۹۸۹)، تمرکز بیشتر بر شاخص‌های رفتاری نزدیکی به جای احساسات عاطفی نزدیکی بین افراد و در نهایت چند بعدی بودن آن مواجه است. اگرچه تمایزات بین جنبه‌های نزدیکی ممکن است از لحاظ تئوریک برای برخی حیطه‌های تحقیقاتی مهم باشد، بیشتر تحقیقات مستلزم تنها یک حوزه منفرد در خصوص نزدیکی هستند. آرون و همکاران (۱۹۹۲) نیز مقیاس شمول دیگری در خود^۴ (IOS) را به منظور برطرف کردن سه محدودیت سیاهه نزدیکی در روابط (RCI) طراحی کردند. آنان بر این باور بودند که این مقیاس بیشتر با موقعیت دانشجویان کالج در آمریکای شمالی هم‌تراز است. بنابراین تردیدهایی در خصوص تعمیم‌پذیری این مقیاس بویژه در فرهنگ‌های غیر آمریکای شمالی مطرح شد. دوم اینکه از نظر آنان زمان لازم برای تکمیل سیاهه نزدیکی در روابط (RCI) (۱۰ الی ۱۵ دقیقه) بهینه نیست، به‌ویژه اگر شخص تلاش کند متغیرهای دیگر علاوه بر نزدیکی را اندازه‌گیری کند. سوم، آنکه به زعم آنان رویکرد نظری کلی و همکاران (۱۹۸۳) در خصوص نزدیکی در روابط در لحاظ کردن بسیاری از کیفیت‌های شناختی و عاطفی مرتبط با نزدیکی عملکرد خوبی نداشته است. بر این اساس آنان مفهوم‌سازی آرون و همکاران (۱۹۹۱) از نزدیکی به عنوان

-
1. Berscheid, Snyder & Omoto
 2. Relationship Closeness Inventory
 3. Kelley
 4. Inclusion of Other in the Self

شمول دیگری در خود، را بنیان نظری برای مقیاس شمول دیگری در خود (IOS) در نظر گرفتند. مقیاس شمول دیگری در خود (IOS) مقیاسی تک‌گویه‌ای بود که پاسخگویان باید میزان همپوشی آن با وضعیت خود را در پیوستاری هفت درجه‌ای مشخص می‌کردند. نمرات بالاتر نزدیکی بیشتر را نشان می‌داد. آشکارترین محدودیت چنین آرایشی به زعم تدوین‌کنندگان آن بود که پایایی آن از طریق همسانی درونی قابل تعیین نیست. هر چند آرون و همکاران (۱۹۹۲)، پایایی بازآزمایی مقیاس را بررسی و مطلوب گزارش کرده بودند اما مسأله شناخته شده در پایایی به شیوه بازآزمایی، مواجهه پایایی (ناپایایی) با تغییر در نمرات واقعی است. بعلاوه، پایایی تا اندازه‌ای کارکردی از طول آزمون نیز هست و مقیاس‌های تک‌گویه‌ای (گویه‌های منفرد) همیشه پایایی کمتری از مقیاس‌های چندگویه‌ای خواهند داشت. پایایی کمتر نیز منجر به اندازه اثر کاهش یافته، کاربرد پیش‌بینی‌پذیری تقلیل یافته، توان آماری پایین‌تر و خطاهای بزرگتر خواهد شد. نهایتاً اینکه اتکا به یک مقیاس تک‌گویه‌ای گستره مفهومی سازه را محدود می‌کند. این محدودیت‌ها طیف کاملی از وابستگی متقابل روان-شناختی و رفتاری منعکس شده در تعریف مفهومی فعلی از نزدیکی را در بر نمی‌گیرد (دیبل، لوین و پارک^۱، ۲۰۱۲).

وجود محدودیت‌های نظری و روش شناختی بارز در ابزارهای پیشین، وجود یک ابزار جدید، پایاتر، دارای اعتبار سازه، چندگویه‌ای و تک‌بعدی را ضروری ساخت. بر این اساس دیبل و همکاران (۲۰۱۲) به تدوین مقیاس تک‌بعدی نزدیکی رابطه^۲ (URCS) پرداختند. این مقیاس خودگزارشی، مشتمل بر دوازده عبارت و تک‌بعدی است. برخی از عبارت‌های این مقیاس (همانند؛ وقتی ما از هم جدا هستیم، دلم برای او خیلی تنگ می‌شود) از مقیاس‌های پیشین (مکسول، ۱۹۸۵؛ واکر و تامپسون، ۱۹۸۳) اخذ شده و برخی توسط طراحان تدوین شد تا به صورت قوی‌تری جنبه‌های دوگانه رفتار نزدیکی و احساس نزدیکی را در بر گیرد. این مقیاس از چند جنبه می‌توانست محدودیت‌های مقیاس‌های پیشین را بر طرف سازد. نخست آنکه، گویه‌های آن از ایده‌ها و استدلال‌های پژوهش‌های قبلی در خصوص سنجش نزدیکی، الهام گرفتند. دوم آنکه این مقیاس تک‌بعدی بوده و با توجه به تعداد عبارت‌ها و طیف پاسخدهی قابلیت محاسبه پایایی را فراهم می‌ساخت. در نهایت آنکه مقیاس جدید در

1. Dibble, Levine, & Park

2. The Unidimensional Relationship Closeness Scale (URCS)

طیف گسترده‌ای از روابط که از بیگانه تا آشنای نزدیک در نوسان است، قابلیت کاربرد داشت. دیبل و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی ساختار عاملی، روایی و پایایی مقیاس تک‌بعدی نزدیکی رابطه (URCS) از چهار نوع داده در ارتباط با چهار نوع مختلف از روابط (شریک عاطفی^۱، دوستان، خانواده و غریبه‌ها) استفاده کردند. در نمونه اول دانشجویانی که درگیر روابط عاطفی بودند شرکت داده شدند. تحلیل عاملی ساختار یک عاملی را در ارتباط با تمامی گروه‌ها نشان می‌داد. در تمامی گروه‌ها رابطه معناداری میان نزدیکی رابطه و رضایت از رابطه وجود داشت. علاوه بر آن میان نزدیکی روابط با شمول دیگری در خود (IOS) رابطه مثبت و معناداری به دست آمد و روایی همگرا با ضریب ۰/۵۸ به تأیید رسید. در مطالعه دوم از تعدادی از دانشجویان دختر خواسته شد تا به همراه یک دوست همجنس خود مقیاس را در ارتباط با دوستان خود و یک غریبه تکمیل کنند. رگرسیون لجستیک نشان داد که نمره نزدیکی رابطه می‌تواند نوع ارتباط (دوست/غریبه) را پیش‌بینی کند. آنان همچنین داده‌های مربوط به مطالعه سوم و چهارم را برای بررسی تغییرناپذیری بر حسب رابطه با خانواده یا دوستان مورد استفاده قرار دادند. نتایج نشان که ساختار عاملی، بارهای عاملی و کوواریانس خطاها بر حسب رابطه با خانواده یا دوستان تغییرناپذیر بوده و نتایج یکسانی دارد. در نهایت آنکه آنان پایایی مقیاس را با محاسبه آلفای کرونباخ بررسی کرده و ضرایب ۰/۹۲ تا ۰/۹۹ را گزارش کردند. بعلاوه محاسبه پایایی به روش بازآزمایی، حاکی از ضریب بازآزمایی ۰/۶۳ بود. روایی محتوایی و روایی صوری نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار بود. همچنین شواهدی از روایی واگرا بین مقیاس URCS و رضایت‌مندی روابط گزارش شد. دیبل و همکاران (۲۰۱۲) مدل‌های تحلیل تأییدی را به تفکیک زنان و مردان اجرا کردند اما تفاوت‌های جنسیتی را مورد بررسی قرار ندادند.

از این ابزار در پژوهش‌های مختلفی استفاده شده است. از آن جمله، کیمبلر، پیرکانل و دیویس (۲۰۱۵) در پژوهش خود این ابزار را در ارتباط با بزرگسالان با سنین بالا و پائین مورد استفاده قرار دادند. در این پژوهش به این موضوع اشاره شده که اگرچه دیبل و همکاران، مقیاس نزدیکی رابطه را در طیف گسترده‌ای از انواع روابط به کار برده‌اند، اما نمونه‌هایشان را عمدتاً دانشجویان دانشگاه تشکیل می‌دادند. از این رو، کیمبلر و همکاران (۲۰۱۵) قابلیت کاربرد این ابزار را در گروه‌های بزرگسال و سالمندی مورد پژوهش قرار

دادند. یافته‌های آن‌ها نشان داد که URCS ابزار مناسبی برای سنجش روابط در سنین مختلف و نیز روابط بین نسلی است و ساختار عاملی و بارهای عاملی مشابه تحقیقات قبلی از وضعیت خوبی برخوردار بود. نتایج پژوهش ویلار، آراجو، کوئلهو، گرانگیرو و گویا (۲۰۱۷) با هدف بررسی ویژگی‌های روانسنجی مقیاس URCS در نمونه‌های برزیلی نیز نشان داد که تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی به کار رفته مشابه ساختار تک عاملی نسخه اصلی مقیاس بود.

بررسی پیشینه پژوهشی داخلی نشان داد که از مقیاس URCS تنها در یک پژوهش استفاده شده است. نادری نوبندگانی (۱۳۹۴) در پژوهش خود با هدف بررسی اثربخشی زوج درمانی بر رابطه متقابل و نزدیکی رابطه، این ابزار را در گروه زوجین مورد استفاده قرار داد. یک محدودیت این پژوهش، عدم گزارش روایی و پایایی مقیاس URCS است.

در مجموع، مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌های انجام شده در خصوص ارتباط (کیمبلر و همکاران، ۲۰۱۵؛ ویلار و همکاران، ۲۰۱۷ و نادری نوبندگانی، ۱۳۹۴)، گروه‌های زناشویی را مورد بررسی قرار داده‌اند و در پژوهش‌هایی محدود نیز به موضوع نزدیکی رابطه در دوران دانشجویی توجه شده است. با این حال موضوع کیفیت روابط دوستی در دوره‌های رشدی مختلف و به‌ویژه نوجوانی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس بررسی تغییرات تحولی در ویژگی‌های روابط نوجوانان موضوع قابل توجهی است. برای مثال، همچنان که فرد بزرگتر می‌شود میزان صمیمیت وی با والدین ثابت باقی می‌ماند و یا اندکی کاهش می‌یابد (فورمن و بارمیستر، ۱۹۸۵؛ نقل در صمیمی، مظاهری و حیدری، ۱۳۹۱). برخی پژوهشگران دریافته‌اند که ادراک حمایت در روابط دوستانه در خلال دوره‌ی نوجوانی افزایش می‌یابد (وای و گرینی، ۲۰۰۶). نتایج یک بررسی طولی در نوجوانان ۱۲ تا ۲۰ ساله در مورد این تغییرات و تفاوت‌های جنسی در فرایند تحولی ارتباط نشان داده است که هر چه دوستی‌ها پیش می‌روند مثبت‌تر و حمایتی‌تر می‌شوند. این تحول در هر دو جنس مشهود است (دی گوئد، برانچ و میوس، ۲۰۰۹). صمیمی و همکاران (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که نوجوانان دختر، عاطفه و خودافشاگری صمیمانه را به عنوان بهترین بعد کیفیت رابطه با دوستان هم‌جنس خود قلمداد

کردند و نوجوانان پسر مطلوب‌ترین ابعاد کیفیت رابطه با دوستان هم‌جنس خود را هم‌نشینی و حمایت‌ورزی گزارش دادند. تحقیقات روان‌شناختی اهمیت حمایت دوستان را در سنین مختلف مورد تأکید قرار داده‌اند و نشان می‌دهند که ماهیت دوستی از همان ابتدای بزرگسالی، یک تعیین‌کننده اساسی شادکامی فردی، امیدواری، عزت نفس و خودپنداره است (فاستر^۱، ۲۰۰۵). بنابراین با توجه به اهمیت روابط دوستی و نزدیکی ارتباط در دوران جوانی و خصوصاً جمعیت دانشجویی و نقش تعیین‌کننده آن در مؤلفه‌های سلامت روان (کوهن، ۲۰۰۴؛ داینر و سلیگمن، ۲۰۰۲) و پیش‌بینی کیفیت روابط بین‌فردی در میان همسالان، محدودیت استفاده از این مقیاس در میان دانشجویان ایرانی و عدم وجود اطلاعاتی در خصوص اعتبار و پایایی مقیاس در نمونه ایرانی، ضرورت اعتباریابی ابزار URCS در جامعه ایرانی دوچندان می‌شود.

از سوی دیگر پژوهش‌های انجام گرفته در خصوص مقیاس نزدیکی روابط، بر منطق آماری نظریه کلاسیک آزمون (CTT) استوار بوده‌اند. تحلیل‌های مبتنی بر این نظریه با محدودیت‌هایی مواجه است چرا که پارامترهای سؤال به واسطه ثابت در نظر گرفتن خطای معیار اندازه‌گیری، به وابستگی به نمونه آزمودنی‌ها منتهی می‌گردد. به طوری که با انتخاب نمونه دیگر، به علت تفاوت در خطای معیار اندازه‌گیری، پارامترهای سؤال نیز تغییر می‌کنند (لرد^۲، ۲۰۱۲). بر این اساس نمی‌توان اطمینان حاصل کرد که عبارت‌های مقیاس URCS از روایی و اعتبار مطلوبی در نمونه‌های متفاوت دانشجویان برخوردار باشند. از سوی دیگر نظریه سؤال-پاسخ^۴ (IRT) با در نظر گرفتن تغییر در خطای معیار اندازه‌گیری در پیوستار پاسخ‌ها، ویژگی‌های سوالات مستقل از ویژگی‌های آزمودنی‌های نمونه معین و بر اساس جامعه آزمودنی‌ها برآورد می‌شوند و این امر وابستگی به نمونه را کاهش داده و اطمینان بیشتری برای اعتبار و روایی در گروه‌های مختلف را فراهم می‌آورد. علاوه بر آن در این نظریه بر خلاف نظریه کلاسیک آزمون، اعتبار آزمون ناشی از طول آن نیست، به گونه‌ای که اگر ضرایب تشخیص سؤال‌ها ثابت نگه داشته شود، اعتبار آزمون‌های کوتاه می‌تواند بیشتر از آزمون‌های بلند باشد. بدون آنکه قابلیت تعمیم آن در طول جامعه کاهش یابد

-
1. Foster
 2. Classical Test theory-CCT
 3. Lord
 4. Item-response theory (IRT)

(امبرستون و ریس، ۲۰۱۳). بر این اساس و با توجه به کم بودن عبارت‌های مقیاس URCS، تحلیل پارامترهای سوال بر اساس نظریه سؤال-پاسخ (IRT) می‌تواند مفید و کاربردی بودن مقیاس را به تأیید رسانده و ابزار مفیدی را جهت استفاده پژوهشگران داخلی فراهم نماید. در مجموع به نظر می‌رسد بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس بر اساس نظریه کلاسیک آزمون در کنار پارامترهای سوال بر اساس نظریه سؤال-پاسخ می‌تواند ابزاری با حداکثر روایی و پایایی برای استفاده پژوهشگران علاقمند به روابط بین فردی فراهم آورد. هدف از پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس تک بعدی نزدیکی رابطه در نمونه دانشجویان ایرانی بر اساس نظریه کلاسیک آزمون و نظریه سؤال-پاسخ بود.

روش

طرح پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های توصیفی و به طور دقیق‌تر اعتباریابی آزمون قرار داشت. جهت دستیابی به اهداف پژوهش، دو مطالعه طرح‌ریزی شد.

مطالعه اول:

دو هدف عمده این مطالعه، یکی اجرای تحلیل عاملی اکتشافی به منظور بررسی ساختار عاملی مقیاس نزدیکی رابطه و دوم، بررسی همسانی درونی عبارت‌ها با هدف آزمون مناسب بودن هر سؤال برای مقیاس مذکور بود.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش را تمامی دانشجویان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه بیرجند در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ تشکیل می‌دادند. با توجه به پیچیدگی‌های نزدیکی روابط در دوره دانشجویی و افزایش برخی از آسیب‌ها با محوریت مؤلفه‌های ارتباطی در سال‌های اخیر و در میان دانشجویان ایرانی (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷) از یک طرف و نیز وجود مرحله ظهور بزرگسالی به عنوان یک مرحله تحولی با ویژگی‌های اختصاصی متمایز از نوجوانی و بزرگسالی که مهم‌ترین رخدادها با اثرگذاری مادام‌العمر در همین دوره سنی ۱۸ تا ۲۵ سال اتفاق می‌افتند (گروب، کرینگز و بنگرتر، ۲۰۰۱؛ نقل از سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸)، جمعیت دانشجویی به عنوان گروه نمونه پژوهش حاضر در هر دو مطالعه انتخاب شد. برآورد حجم نمونه: بنا به پیشنهاد مک کالوم، ویدامان، ژانگ و هونگ^۲ (۱۹۹۹) حداقل حجم نمونه در مطالعات

1. Embretson & Reise

2. MacCallum, Widaman, Zhang, & Hong

اکتشافی باید بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر باشد. بنتلر و چو^۱ (۱۹۸۷) نیز برای هر عبارت مقیاس حداقل ۱۰ نفر را پیشنهاد می‌کنند. بر این اساس و با توجه به اینکه مقیاس نزدیکی رابطه شامل ۱۲ سؤال و به عبارتی ۱۲ متغیر است، حجم نمونه با در نظر گرفتن احتمال ریزش نفرات در مطالعه اول ۱۸۰ نفر در نظر گرفته شد. از این میان، پرسشنامه‌های مربوط به ۱۷۲ نفر قابلیت تحلیل را داشت. روش نمونه‌گیری: انتخاب نمونه با روش تصادفی چندمرحله‌ای صورت گرفت. بدین ترتیب که در ابتدا چهار گروه تحصیلی (علوم انسانی، علوم پایه، مهندسی، کشاورزی و هنر)، در نظر گرفته شدند و بعد از انجام هماهنگی‌های قبلی با مراجعه به دانشکده‌های مذکور، از میان کلاس‌های درس برگزار شده در روز مراجعه، دو کلاس از دو رشته متفاوت انتخاب و پرسشنامه‌ها در میان دانشجویان حاضر در کلاس‌ها توزیع شد.

مطالعه دوم:

هدف مطالعه دوم اجرای روایی عاملی تأییدی به منظور ارزیابی ساختار تک‌بعدی به دست آمده از مقیاس نزدیکی رابطه در مطالعه اول و در نمونه‌ای بزرگتر، بررسی روایی همگرا و واگرا با در نظر گرفتن ضرایب همبستگی میان مقیاس نزدیکی رابطه، احساس تعلق به دوستان، رضایت از زندگی، احساس تنهایی اجتماعی و افسردگی بود. بررسی ویژگی‌های سؤال-پاسخ با توجه به محدودیت‌های ذکر شده در نظریه کلاسیک نیز یکی دیگر از اهداف اصلی این مطالعه بود.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش در این مطالعه را نیز تمامی دانشجویان مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه بیرجند در سال تحصیلی ۹۶-۹۷ تشکیل می‌دادند. برآورد حجم نمونه: بنا به پیشنهاد کامری و لی^۲ (۱۹۹۲) در مطالعاتی که بررسی روایی عاملی تأییدی مد نظر است، ۲۰۰ نفر نسبتاً خوب و ۳۰۰ نفر خوب است. هیر، اندرسون، تاتهام و بلک^۳ (۱۹۹۵) نیز به ازای هر متغیر ۲۰ نفر را پیشنهاد می‌کنند. بر این اساس حجم نمونه با در نظر گرفتن احتمال ریزش نفرات و یا ناقص بودن پرسشنامه‌ها در مطالعه دوم ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شد. در نهایت داده‌های مربوط به ۲۲۸ نفر که پرسشنامه‌ها را به طور کامل پاسخ داده بودند مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. روش نمونه‌گیری: دو هفته بعد از اجرای مطالعه اول و با استفاده از روش تصادفی چند مرحله‌ای از

1. Bentler & Chou
2. Comrey & Lee
3. Hair, Anderson, Tatham, & Black

میان ۱۰ دانشکده دانشگاه بیرجند، ۵ دانشکده (کشاورزی، مهندسی، علوم پایه ادبیات و هنر) در نظر گرفته شد. سپس به صورت تصادفی از هر دانشکده، دو کلاس انتخاب و بعد از بیان اهداف پژوهش، پرسشنامه‌ها میان دانشجویان توزیع شد. همان‌طور که ذکر شد فرایند جمع‌آوری اطلاعات در دو وهله مجزا صورت گرفت و کلاس‌ها در دو مطالعه مشترک نبودند. گردآوری داده‌ها با مقیاس‌های زیر صورت گرفت:

مقیاس تک‌بعدی نزدیکی رابطه (URCS): این مقیاس توسط دیبل و همکاران (۲۰۱۲) ساخته شده و ۱۲ ماده دارد که میزان نزدیکی افراد را در روابط مختلف با یکدیگر می‌سنجد. به عنوان نمونه از جمله ماده‌های این مقیاس این است که: «ارتباط من با دوستم نزدیک است» و «هنگام تصمیم‌گیری‌های مهم دوستم را در نظر می‌گیرم». ماده‌های این مقیاس در یک طیف ۷ رتبه‌ای از ۱= کاملاً مخالفم تا ۷= کاملاً موافقم تنظیم شده است. حداقل و حداکثر نمره این مقیاس بین ۱۲ تا ۸۴ می‌باشد، که نمره‌های بالاتر نشان‌دهنده احساس نزدیکی بیشتر در رابطه با دوست است. دیبل و همکاران (۲۰۱۲) میانگین ضرایب آلفای کرونباخ این مقیاس برای گروه‌های مختلف از جمله زوج‌های دانشجویی را ۰/۹۳، ضریب بازآزمایی را ۰/۶۳ و ضریب روایی همگرایی آن را با مقیاس شمول دیگری در خود (IOSS)، ساخته آرون و همکاران (۱۹۹۲)، ۰/۵۸ گزارش دادند.

احساس تعلق به دوستان: جهت بررسی روایی همگرا از زیر مقیاس احساس تعلق از مقیاس ارضای نیازهای بنیادین در روابط (BNS-RS) استفاده شد. این مقیاس توسط لاگوردیا^۲ و همکاران (۲۰۰۰) تدوین شده و با ۹ عبارت سه زیرمقیاس خودمختاری، شایستگی و احساس تعلق را می‌سنجد. این مقیاس را می‌توان در ارتباط با افراد مختلف از قبیل والدین، همسر، همکاران و دوستان به کار برد. نمره‌گذاری این مقیاس در طیف هفت درجه‌ای لیکرت و از اصلاً درست نیست (۱) تا کاملاً درست است (۷) صورت می‌گیرد. نمره بالاتر در هر زیر مقیاس، پس از معکوس کردن برخی از عبارت‌ها، نشان‌دهنده وضعیت مطلوب‌تر فرد در آن زیر مقیاس است. ضرایب آلفای کرونباخ برای این مقیاس از ۰/۸۵ تا ۰/۹۴ گزارش شده است (لانگدون، استورگس و اسکلوته^۳، ۲۰۱۸). در پژوهش حاضر زیر

1. Basic Need Satisfaction in Relationships
2. La Guardia
3. Langdon, Sturges, & Schlote

مقیاس احساس تعلق و در ارتباط با دوستان مورد استفاده قرار گرفت. آلفای کرونباخ این زیرمقیاس در مطالعه حاضر ۰/۸۹ به دست آمد.

رضایت از زندگی: جهت بررسی روایی همگرا، از مقیاس رضایت از زندگی (داینر^۱ و همکاران، ۱۹۸۵) استفاده شد. این مقیاس ۵ عبارتی در طیف هفت درجه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۷) نمره‌گذاری می‌شوند. مجموع نمرات فرد، محاسبه شده و نمره بالاتر به معنای رضایت بیشتر از زندگی است. در مطالعه مبدأ، روایی عاملی و نیز روابط همگرای مقیاس در ارتباط با عواطف مثبت ($r=0/50$) و عواطف منفی ($r=-0/37$)، مطلوب گزارش شد. معروفی‌زاده و همکاران (۲۰۱۶) روایی همگرای مقیاس را در ارتباط با اضطراب ($r=-0/41$) و افسردگی ($r=-0/43$) مطلوب گزارش کردند و آلفای کرونباخ نیز در مطالعه آنان ۰/۸۹ به دست آمد. آلفای کرونباخ در مطالعه حاضر ۰/۸۵ بود.

احساس تنهایی اجتماعی: جهت بررسی روایی واگرا، از زیر مقیاس احساس تنهایی اجتماعی در فرم کوتاه مقیاس احساس تنهایی اجتماعی و عاطفی بزرگسالان^۲ (SELSA-S) استفاده شد. این مقیاس توسط دی توماسو^۳ و همکاران (۲۰۰۴) تدوین شده و دارای سه زیر مقیاس احساس تنهایی رمانتیک، خانوادگی و اجتماعی است. نمره‌گذاری این مقیاس در طیف پنج درجه‌ای لیکرت و از کاملاً مخالفم (۱) تا کاملاً موافقم (۵) صورت می‌گیرد. زیرمقیاس احساس تنهایی اجتماعی دارای ۵ عبارت است. نمره تمامی عبارت‌ها باید به صورت معکوس محاسبه شود. نمرات بالاتر به معنای احساس تنهایی اجتماعی بیشتر است. روایی همگرای مقیاس در مطالعه اصلی در ارتباط با مقیاس احساس تنهایی UCLA برابر با $r=0/73$ و آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۷ گزارش شده است. جوکار و سلیمی (۲۰۱۱) روایی عاملی مقیاس را مطلوب گزارش کردند. آلفای کرونباخ احساس تنهایی اجتماعی در مطالعه آنان ۰/۸۴ بود. آنان همچنین میان ادراک حمایت اجتماعی ($r=-0/68$) و رضایت از زندگی ($r=-0/23$) با احساس تنهایی اجتماعی روابط منفی و معناداری بدست آوردند. آلفای کرونباخ در مطالعه حاضر ۰/۸۳ به دست آمد.

1. Diener

2. The Social and Emotional Loneliness Scale for Adults (SELSA-S)

3. Ditommaso

افسردگی: جهت بررسی روایی واگرا، از زیرمقیاس افسردگی در مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس^۱ (DASS-21) استفاده شد. این مقیاس توسط لوی باند و لوی باند^۲ (۱۹۹۵) تدوین شده و ۲۱ عبارت دارد که هر ۷ عبارت آن به یک زیرمقیاس اختصاص می‌یابد. نمره‌گذاری مقیاس در طیف چهار درجه‌ای از هیچ وقت (صفر) تا همیشه (۳) صورت می‌گیرد و نمرات بالاتر به معنای شیوع بیشتر خواهد بود. در مطالعه اصلی روایی عاملی اکتشافی و روایی همگرا در ارتباط با سیاهه افسردگی بک ($r=0/73$) مطلوب گزارش شده است. آلفای کرونباخ زیر مقیاس افسردگی در مطالعه اصلی ۰/۹۱ به دست آمده است. صاحبی و همکاران (۱۳۸۴) روایی عاملی و همگرا در ارتباط با سیاهه افسردگی بک ($r=0/70$) و همچنین اعتبار مناسبی را در نمونه ایرانی گزارش کردند. ضریب آلفای کرونباخ افسردگی در مطالعه حاضر ۰/۷۹ به دست آمد.

شیوه گردآوری و تحلیل داده‌ها

جهت آماده‌سازی ابزار، پس از کسب اجازه کتبی از تدوین‌کنندگان، ابزار توسط یک متخصص روان‌شناسی مسلط به زبان انگلیسی، به فارسی برگردانده شد. سپس توسط یک نفر عضو هیأت علمی آموزش زبان انگلیسی ترجمه معکوس گردید. در نهایت هر دو فرم توسط چهار نفر از اعضای هیأت علمی روان‌شناسی، تطبیق داده و برای اجرای نهایی آماده شد. جمع‌آوری داده‌ها به صورت گروهی انجام شد. پیش از اجرا، در خصوص اهداف طرح توضیحاتی به شرکت‌کنندگان ارائه و رضایت شفاهی آنان اخذ گردید.

در چارچوب نظریه کلاسیک آزمون، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها در مطالعه اول همسانی درونی و قدرت تشخیص عبارت‌ها، سپس تحلیل عاملی اکتشافی با الگوی مؤلفه‌های اصلی اجرا شد. در مطالعه دوم در ابتدا تحلیل عاملی تأییدی مرتبه دوم اجرا شد. در ادامه روایی همگرایی مقیاس در ارتباط با احساس تعلق به دوستان و رضایت از زندگی و روایی واگرایی آن در ارتباط با احساس تنهایی اجتماعی و افسردگی با محاسبه ضریب همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت روایی سازه مقیاس بر حسب سن و جنسیت با ضریب همبستگی پیرسون و آزمون t مستقل مورد بررسی قرار گرفت. تحلیل‌ها با نرم افزار SPSS.16 و Amos.24 اجرا شد.

1. Depression, Anxiety, Stress Scale (DASS)
2. Lovibond, & Lovibond

در چارچوب نظریه سؤال-پاسخ (IRT) اعتبار به صورت یک تابع پیوسته روی مقادیر صفت مکنون^۱ (θ) تعریف می‌شود. این منحنی تابعی از پارامترهای سؤال است. به کارگیری مدل‌های سؤال-پاسخ مستلزم برقراری حداقل دو مفروضه تک بعدی بودن^۲ و استقلال موضعی^۳ است. در بررسی تک بعدی بودن می‌توان از تحلیل عاملی اکتشافی، مقادیر ویژه و نمودار اسکری استفاده کرد (لوهلین^۴، ۲۰۰۴). مفروضه استقلال موضعی معمولاً در صورت تک بعدی بودن برقرار است. با این حال، وجود کوواریانس بین سؤالات در ماتریس باقیمانده‌ها در یک تحلیل عاملی مرتبه اول می‌تواند استقلال موضعی را نشان دهد (امبرستون و ریس، ۲۰۱۳). مدل پاسخ مدرج^۵ (GRM) در چارچوب نظریه سؤال-پاسخ (IRT) جهت آزمون‌هایی که دارای طیف نمره گذاری طبقه‌ای مرتب شده هستند، طراحی شده است (سیم جیما^۶، ۲۰۱۶). از آنجا که در مقیاس تک بعدی نزدیکی روابط از پاسخ‌های رتبه‌ای چند ارزشی استفاده شده است، از مدل پاسخ مدرج سیم جیما برای برازندگی استفاده شد. توانایی هر سؤال در تمیز بین سطوح در دامنه پیوستار ویژگی یا پارامتر تمیز^۷ (α) و پارامترهای آستانه^۸ (b) محاسبه شد. منحنی آگاهی سؤال^۹ (IIC)، منحنی طبقه-پاسخ^{۱۰} و منحنی آگاهی آزمون^{۱۱} (TIC) نیز مورد بررسی قرار گرفتند. تحلیل‌ها با نرم افزار IRT PRO. 2.1.2 انجام شد.

یافته‌ها

توصیف جمعیت شناختی نمونه‌های پژوهشی نشان داد که میانگین و انحراف معیار سن در مطالعه اول به ترتیب ۲۱/۶۰ و ۳/۳۱ با دامنه ۱۸ تا ۴۴ سال و در مطالعه دوم به ترتیب ۲۱/۴۸ و ۳/۱۶ با دامنه ۱۸ تا ۴۱ سال بود. در مطالعه اول ۶۴/۵ درصد و در مطالعه دوم ۶۷/۱ درصد

-
1. latent trait scores
 2. Unidimensionality
 3. local Independence
 4. Loehlin
 5. graded Response Model
 6. Samejima
 7. discrimination parameters
 8. threshold parameters
 4. item information curve (IIC)
 10. category response curves
 11. test information curve(TIC)

را زنان تشکیل دادند. نسبت افراد مجرد در مطالعه اول ۷۶/۲ درصد و در مطالعه دوم ۷۵/۱ درصد بود. در مطالعه اول ۴۸/۳ درصد و در مطالعه دوم ۵۳/۹ درصد دانشجویان به همراه خانواده زندگی می‌کردند. در مطالعه اول ۹۱/۳ درصد و در مطالعه دوم ۹۲/۵ درصد دانشجوی دوره کارشناسی بودند. در مطالعه اول به ترتیب ۳۶/۶ درصد، ۱۶/۳ درصد، ۲۷/۹ درصد و ۱۹/۲ درصد دانشجویان در رشته‌های گروه علوم انسانی، علوم پایه، فنی و مهندسی، کشاورزی، دامپزشکی و هنر مشغول به تحصیل بودند. این نسبت‌ها در مطالعه دوم به ترتیب ۴۶/۹ درصد، ۱۱/۴ درصد، ۲۲/۸ درصد و ۱۸/۹ درصد بود. در مطالعه اول (۱۷۲ نفر) به بررسی همسانی درونی و قدرت تشخیص عبارت‌ها پرداخته شد. بدین ترتیب که همبستگی نمره هر عبارت با سایر عبارت‌ها و نیز با نمره کل مقیاس بررسی شد. حداقل ضریب همبستگی ۰/۳۰ به پیشنهاد کوهن^۱ (۱۹۹۲) به‌عنوان اندازه اثر متوسط و خط برش در نظر گرفته شد. نتایج اولیه گویای این بود که عبارت‌ها دارای همسانی درونی و قدرت تشخیص مناسبی هستند. چرا که همبستگی میان عبارت‌ها از ۰/۴۴ تا ۰/۷۷ و همبستگی عبارت‌ها با نمره کل نیز از ۰/۶۰ برای عبارت ۸ تا ۰/۸۳ برای عبارت ۱۱ در تغییر بود. با حذف هیچ یک از عبارت‌ها، آلفای کرونباخ افزایش نمی‌یافت. بر این اساس در این مرحله هیچ یک از عبارت‌ها حذف نشدند. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همسانی درونی در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی و نتایج بررسی همسانی درونی و تحلیل عاملی مقیاس تک بعدی

نزدیکی رابطه

عبارت ها	شاخص‌های توصیفی			همبستگی آلفای کرونباخ	تحلیل اکتشافی		تحلیل تأییدی			
	میانگین	انحراف کجی	کشیدگی		واریانس	بارعاملی	وزن	باراستاندارد		
۱۱	۴/۴۱	۱/۸۷	-۰/۲۰	-۱/۰۱	۰/۸۳	۰/۹۴	۰/۷۵	۰/۸۶	۰/۹۷	۰/۷۱
۱۰	۳/۹۹	۱/۹۰	۰/۱۲	-۱/۰۴	۰/۸۱	۰/۹۴	۰/۷۱	۰/۸۴	۰/۹۹	۰/۶۹
۵	۵/۰۲	۱/۵۶	-۰/۵۱	-۰/۴۵	۰/۷۹	۰/۹۴	۰/۶۹	۰/۸۳	۰/۹۹	۰/۸۷
۲	۴/۴۶	۱/۸۴	-۰/۲۱	-۱/۰۳	۰/۷۸	۰/۹۴	۰/۶۸	۰/۸۲	۰/۸۱	۰/۵۹
۱	۵/۱۰	۱/۷۴	-۰/۷۶	-۰/۲۷	۰/۷۷	۰/۹۴	۰/۶۷	۰/۸۲	۰/۹۹	۰/۷۸
۴	۵/۰۷	۱/۵۲	-۰/۴۷	-۰/۴۵	۰/۷۷	۰/۹۴	۰/۶۶	۰/۸۱	۰/۹۷	۰/۹۰
۹	۴/۲۳	۱/۹۸	-۰/۱۰	-۱/۰۹	۰/۷۷	۰/۹۴	۰/۶۵	۰/۸۱	۰/۹۵	۰/۶۵
۷	۴/۱۶	۲/۰۱	۰/۰۳	-۱/۲۲	۰/۷۷	۰/۹۴	۰/۶۵	۰/۸۱	۰/۸۰	۰/۵۷

۰/۷۴	۰/۹۲	۰/۷۹	۰/۶۲	۰/۹۴	۰/۷۳	-۰/۶۸	-۰/۴۴	۱/۶۷	۴/۸۸	۶
۰/۷۳	۰/۹۵	۰/۷۸	۰/۶۱	۰/۹۴	۰/۷۳	-۰/۸۰	-۰/۲۹	۰/۷۰	۴/۷۲	۳
۰/۷۲	۰/۹۹	۰/۷۱	۰/۵۰	۰/۹۵	۰/۶۶	-۰/۸۸	-۰/۱۳	۱/۷۹	۴/۳۶	۱۲
۰/۵۴	۰/۶۵	۰/۶۵	۰/۵۲	۰/۹۵	۰/۶۰	-۰/۲۶	-۰/۵۴	۱/۵۸	۵/۰۲	۸
			۷/۶۱	ارزش ویژه						
			۶۳/۳۹	واریانس تبیین شده						

در بررسی روایی عاملی اکتشافی با الگوی مؤلفه‌های اصلی، ابتدا به محاسبه شاخص کیزر-میر-الکین^۱ (KMO) برای بررسی کفایت نمونه‌برداری و آزمون کرویت بارلت^۲ پرداخته شد. نتایج نشان داد که با مقدار KMO برابر با ۰/۹۴ و رد فرض صفر در آزمون کرویت بارلت ($\chi^2=1606/70$, $df=66$, $P=0/0001$) شرایط برای تحلیل عاملی وجود دارد. تحلیل مؤلفه‌های اصلی با در نظر گرفتن بار عاملی بیشتر از ۰/۴۰ اجرا شد. تحلیل اولیه یک عامل با ارزش ویژه بالاتر از ۱ را به دست می‌داد. این عامل دارای ارزش ویژه ۷/۶۱ بوده و ۶۳/۳۹ درصد واریانس را تبیین می‌کرد. نمودار اسکری نیز از این ساختار حمایت می‌کرد. بارهای عاملی مربوط به هر عبارت در جدول ۱ آورده شده است. نتایج نشان می‌دهد تمامی عبارت‌ها دارای واریانس مشترک بزرگتر از ۰/۵۰ و بار عاملی بزرگتر از ۰/۶۵ هستند. مقایسه ساختار به دست آمده با نسخه اصلی نشان از عدم تغییر در ساختار عاملی داشت.

در مطالعه دوم (۲۲۸ نفر)، به منظور تأیید ساختار عاملی به دست آمده، تحلیل عاملی تأییدی با نرم افزار Amos.24 و روش بیشینه درست‌نمایی اجرا شد. جهت بررسی برازش مدل شاخص‌های متعددی وجود دارد. غیرمعنادار بودن آماره خبی دو (χ^2) یکی از شاخص‌های برازش مدل است که از حجم نمونه تأثیر می‌پذیرد و باید با درجات آزادی مدل اصلاح شود. مقادیر بین ۱ تا ۳ برای نسبت خبی دو به درجات آزادی (χ^2/df)، مقادیر ۰/۰۵ و کمتر ریشه میانگین خطای مجذورات تقریب^۳ (RMSEA) و مقادیر ۰/۹۵ و بیشتر برای شاخص نیکویی برازش^۴ (GFI)، شاخص تعدیل شده نیکویی برازش^۵ (AGFI)، شاخص برازندگی تطبیقی^۶ (CFI) و شاخص نرم شده برازندگی^۷ (NFI) نشان از برازش مطلوب

1. Keiser, Meyer, Olkin(KMO)
2. Bartlett Sphericity test
3. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)
4. Goodness of Fit Index (GFI)
5. Adjusted Goodness of Fit Index (AGFI)
6. Comparative Fit Index (CFI)
7. Normed Fit Index (NFI)

مدل دارند (تاباکنیک و فیدل^۱، ۲۰۱۵). نتایج تحلیل اولیه نشان داد که تمامی بارهای عاملی بزرگتر از ۰/۵۶ بوده و در سطح کوچکتر از $\alpha=0/01$ معنادارند. اما بررسی پرازش مدل نشان‌دهنده نامطلوب بودن شاخص‌ها بود ($\chi^2=275/43$ ، $df=54$ ، $P=0/001$ ، $\chi^2/df=5/10$ ، $GFI=0/83$ ، $AGFI=0/75$ ، $CFI=0/87$ ، $NFI=0/85$ ، $RMSEA=0/13$). برای اصلاح مدل‌های تحلیل عاملی تأییدی ساز و کارهای متعددی وجود دارد. در نظر گرفتن حداقل بار عاملی قابل قبول (۰/۳۰) و نیز حذف مسیرهای غیر معنادار (میرز^۲ و همکاران، ۲۰۱۶) و برقراری روابط میان خطاهایی که از بعد نظری با یکدیگر در ارتباطند (تاباکنیک و فیدل، ۲۰۱۵) از این جمله‌اند. بررسی بارهای عاملی نشان داد که حداقل بار عاملی عبارت‌ها ۰/۵۶ بوده و تمامی بارهای عاملی معنادارند ($P<0/01$). بر این اساس و مبتنی بر شاخص‌های اصلاح نرم افزار به برقراری کوواریانس خطای عبارت‌ها پرداخته شد. برقراری کوواریانس خطا میان عبارت‌ها، باعث افزایش پرازش مدل تأییدی گردید ($\chi^2=48/31$ ، $df=40$ ، $P=0/17$ ، $GFI=0/97$ ، $AGFI=0/93$ ، $CFI=0/99$ ، $NFI=0/97$ ، $RMSEA=0/03$ ، $\chi^2/df=1/21$ ، $P=0/01$). حداقل بار عاملی در ساختار اصلاح شده ۰/۵۴ بوده و تمامی ضرایب معنادار بودند ($P<0/01$).

در بررسی روایی همگرا و واگرا، همبستگی نمره کل مقیاس تک‌بعدی نزدیکی رابطه با احساس تعلق به دوستان، رضایت از زندگی، احساس تنهایی اجتماعی و افسردگی مورد بررسی قرار گرفت (جدول ۲). نتایج نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری میان نزدیکی رابطه با احساس تعلق به دوستان ($P<0/01$) و رضایت از زندگی ($P<0/05$) وجود دارد. سایر نتایج نشان‌دهنده آن بود که میان نزدیکی رابطه با احساس تنهایی اجتماعی و افسردگی رابطه منفی و معناداری وجود دارد ($P<0/01$).

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهشی جهت بررسی روایی همگرا و واگرا

متغیرها	نزدیکی رابطه احساس تعلق به دوستان	رضایت	از احساس تنهایی اجتماعی	افسردگی
ضریب همبستگی	-	۰/۱۵*	-۰/۵۲**	-۰/۴۰**
میانگین	۵۵/۲۳	۲۱/۶۱	۱۲/۲۲	۶/۳۷
انحراف معیار	۱۶/۰۹	۷/۰۵	۴/۹۴	۴/۹۰

** $P<0/01$ * $P<0/05$

1. Tabachnick, & Fidell
2. Meyers

در بررسی روایی سازه، همبستگی نمره کل مقیاس تک‌بعدی نزدیکی رابطه با سن شرکت‌کنندگان مورد بررسی قرار گرفت. نتایج همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه معناداری میان سن و نزدیکی رابطه وجود ندارد ($P > 0/05$). بررسی تفاوت‌های جنسیتی با آزمون t مستقل نیز نشان داد که تفاوت معناداری میان دو جنس در نزدیکی رابطه وجود دارد ($t = 2/36$, $df = 226$, $P < 0/05$). مقایسه میانگین‌ها نشان دهنده آن بود که زنان از میانگین بالاتری برخوردار بودند (۵۶/۹۷ برای زنان و ۵۱/۶۷ برای مردان).

در بررسی اعتبار در مطالعه اول با محاسبه آلفای کرونباخ و ضریب دو نیمه کردن، تحلیل‌ها ضرایب ۰/۹۵ و ۰/۸۹ را به دست داد. در مطالعه دوم این ضرایب به ترتیب برابر با ۰/۹۳ و ۰/۸۸ بودند.

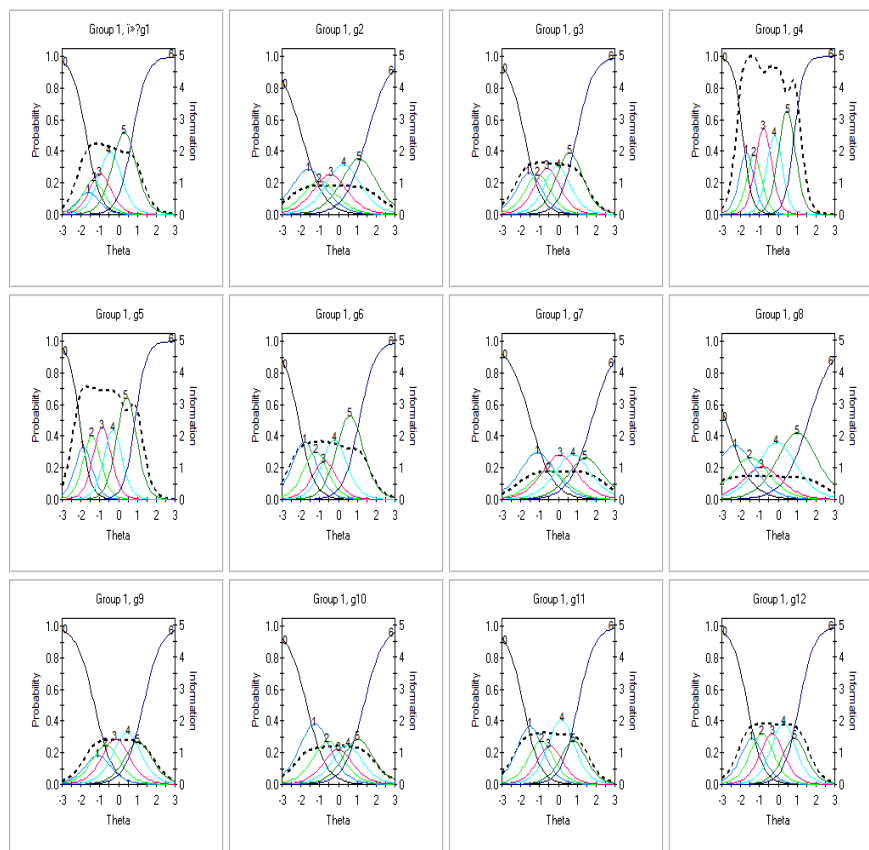
در نهایت تحلیل مقیاس تک‌بعدی نزدیکی رابطه با استفاده از شاخص‌های نظریه سؤال-پاسخ صورت گرفت. از آنجا که در مقیاس تک بعدی نزدیکی رابطه از پاسخ‌های رتبه‌ای چندارزشی استفاده شده است، از مدل پاسخ مدرج سیم جیما (GRM) برای بررسی برازندگی استفاده شد و پارامترهای تمیز و آستانه‌ها و منحنی‌های آگاهی سؤال و آزمون و نیز طبقه-پاسخ مورد بررسی قرار گرفتند. پارامترهای تمیز و آستانه و نیز شاخص‌های برازندگی سؤالات در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳. پارامترهای سؤال-پاسخ مقیاس تک بعدی نزدیکی رابطه

عبارت‌ها	پارامتر تمیز (α)	آستانه گزینه‌های پاسخ						شاخص‌های		
		b_6	b_5	b_4	b_3	b_2	b_1	P	df	χ^2
۱	۲/۶۴	-۱/۷۲	-۱/۵۰	-۱/۱۷	-۰/۷۷	-۰/۱۳	۰/۷۴	۷۷	۹۶/۰۴	۰/۰۷
۲	۱/۶۸	-۱/۹۵	-۱/۲۶	-۰/۷۵	-۰/۱۳	۰/۶۴	۱/۵۲	۹۶	۹۳/۲۶	۰/۱۰
۳	۲/۲۵	-۱/۸۰	-۱/۳۲	-۰/۸۷	-۰/۳۳	۰/۲۳	۰/۹۷	۷۸	۹۵/۴۳	۰/۰۹
۴	۴/۰۳	-۱/۸۹	-۱/۴۸	-۱/۰۹	-۰/۴۸	۰/۰۷	۰/۸۵	۶۰	۷۴/۵۲	۰/۰۸
۵	۳/۴۰	-۲/۰۷	-۱/۶۶	-۱/۱۳	-۰/۵۸	-۰/۰۲	۰/۸۸	۶۶	۷۴/۹۹	۰/۲۱
۶	۲/۳۹	-۲/۱۲	-۱/۴۸	-۰/۹۶	-۰/۵۵	۰/۱۲	۱/۱۰	۷۳	۸۷/۸۶	۰/۱۴
۷	۱/۶۵	-۱/۴۸	-۰/۷۴	-۰/۲۹	۰/۴۱	۱/۱۲	۱/۷۷	۹۷	۹۲/۲۳	۰/۱۲
۸	۱/۵۱	-۲/۷۸	-۱/۸۵	-۱/۱۳	-۰/۵۸	۰/۴۲	۱/۶۱	۹۰	۹۴/۸۲	۰/۱۰
۹	۲/۰۹	-۱/۲۷	-۰/۹۲	-۰/۴۴	۰/۱۳	۰/۷۸	۱/۳۱	۹۰	۸۷/۰۵	۰/۵۶
۱۰	۱/۹۳	-۱/۶۸	-۰/۸۴	-۰/۲۶	۰/۲۱	۰/۷۳	۱/۳۴	۹۲	۹۶/۹۳	۰/۱۹
۱۱	۲/۲۵	-۱/۸۵	-۱/۱۷	-۰/۶۷	-۰/۲۳	۰/۵۴	۱/۰۴	۸۳	۸۸/۸۵	۰/۳۱
۱۲	۲/۴۵	-۱/۶۳	-۱/۱۴	-۰/۶۰	-۰/۰۶	۰/۶۱	۱/۱۱	۸۶	۸۲/۴۹	۰/۵۹

بر اساس نظر بیکر، راندز و زیوون (۲۰۰۰) پارامتر تمیز کمتر از ۰/۶۵ به عنوان پارامتر تمیز پایین، ۰/۶۵ تا ۱/۳۴ به عنوان شاخص تمیز متوسط و ۱/۳۵ و بالاتر به عنوان شاخص تمیز بالا در نظر گرفته می‌شود. نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که پارامتر تمیز تمامی عبارات در سطح بالایی قرار دارد. در این میان عبارت ۴ بیشترین ضریب تمیز و عبارت ۸ کمترین ضریب تمیز را داراست (۴/۰۳ در برابر ۱/۵۱). پارامتر آستانه پاسخ‌ها، دامنه مقادیر ویژگی را از مقادیر منفی تا مثبت برای تمامی عبارات نشان می‌دهد. شاخص‌های برازندگی نشان می‌دهد که آستانه‌های پاسخ برای تمام عبارات از برازش مناسبی برخوردار است ($P > 0.05$).

منحنی طبقه- پاسخ منطبق بر تابع آگاهی سؤال، برای ۱۲ عبارت مقیاس تک‌بعدی نزدیکی روابط در شکل ۱ آورده شده است. امبرستون و رایس (۲۰۱۳) بر این باورند که هر اندازه پارامترهای شیب (پارامتر تمیز یا α) بیشتر باشند، منحنی‌های طبقه- پاسخ به هم فشرده‌تر و ارتفاع آن‌ها بیشتر می‌شود. این امر نشان می‌دهد که طبقه پاسخ، تفاوت سطوح صفت در این سؤال‌ها را نسبتاً خوب مشخص می‌کند. بررسی منحنی‌های طبقه-پاسخ نشان می‌دهد که در تمامی عبارات، افرادی که از سطح صفت پایینی برخوردار بوده‌اند، سطوح پاسخ کمتر را انتخاب کرده و افرادی که سطوح صفت بالاتری دارند سطوح پاسخ بالاتر را انتخاب کرده‌اند. عبارت‌های ۲، ۷ و ۸ از آگاهی‌رسانی نسبتاً پایینی برخوردار هستند و توزیع مناسبی از طبقه پاسخ‌ها بر حسب صفت صورت نگرفته است.

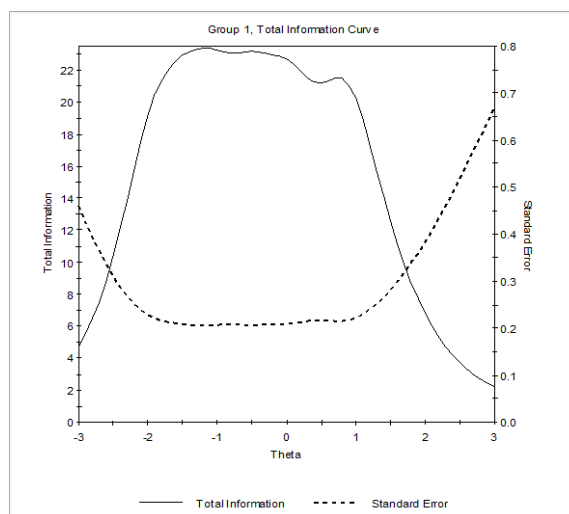


شکل ۱. منحنی پاسخ طبقه و تابع آگاهی سؤال

منحنی آگاهی آزمون (TIC) در شکل ۲ آورده شده است. آگاهی از لحاظ آماری به معنای مفهوم مقابل میزان دقت در برآورد یک پارامتر (اعتبار) است (امبرستون و رایس، ۲۰۱۳). منحنی آگاهی آزمون (TIC)، دقت اندازه‌گیری آزمون را در سطوح مختلف صفات نشان می‌دهد. هنگامی که منحنی آگاهی آزمون در اوج قرار دارد بالاترین میزان اعتبار مقیاس در آن سطح نمره صفت مکنون منطبق می‌گردد (نیل، کوربین و فروم، ۲۰۰۶). منحنی آگاهی آزمون نشان می‌دهد که مقیاس برای اندازه‌گیری سطح متوسط به بالای

نزدیکی رابطه پایاست (بین ۲- تا ۱/۵+). اما دقت آن در اندازه‌گیری نزدیکی روابط در دامنه بسیار بالا یا پایین توزیع صفت، کاهش می‌یابد.

شکل ۲. تابع آگاهی آزمون در مقیاس تک بعدی نزدیکی رابطه



بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس نزدیکی رابطه (URCS) در نمونه‌ای از دانشجویان ایرانی بود. داده‌های مقیاس نزدیکی رابطه (URCS) در نسخه اصلی در چهار نوع از روابط متفاوت (روابط زناشویی، روابط بین دوستان، روابط بین اعضای خانواده و غریبه‌ها) مورد سنجش قرار گرفت و شواهد به دست آمده تأییدکننده تک‌بعدی بودن و وجود همسانی درونی مناسب این ابزار در انواع مختلف روابط بود (دیبیل و همکاران، ۲۰۱۲).

پس از اطمینان از دقت ترجمه و اجرای مقدماتی، روش‌های پایایی و روایی (روایی سازه شامل تحلیل عاملی و روایی همگرا) به کار گرفته شد. تحلیل‌های پایایی در مطالعه حاضر نشان‌دهنده ثبات و همسانی درونی مطلوب گویه‌ها میان عبارات‌های مقیاس و هر عبارت بانمره کل بود. پایایی مقیاس نیز در سطح مطلوبی قرار داشت. به طوری که میانگین ضرایب آلفای تمام گویه‌های این مقیاس تک‌بعدی ۰/۹۴ به دست آمد. ضرایب آلفای این

پژوهش با نتایج نسخه اصلی مقیاس نزدیکی رابطه (URCS) دیبل و همکاران (۲۰۱۲) مشابهت داشت. همچنین این نتایج با پژوهش ویلار و همکاران (۲۰۱۷) که ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس نزدیکی رابطه (URCS) در گروه دانشجویان برزیلی را مورد مطالعه قرار داده بودند، همخوان بود. در مطالعه آن‌ها، ضریب آلفای ۰/۹۴ به دست آمد. کیمبلر و همکاران (۲۰۱۵) نیز پایایی مناسبی برای این مقیاس گزارش کردند. بنابراین یافته‌های مرتبط با پایایی در این پژوهش و مطالعات دیگر همسویی دارد. در تبیین احتمالی پایایی بالای این مقیاس در بافت‌های گوناگون می‌توان به کم بودن تعداد گویه‌ها و اشاره کرد. یکی از مشکلاتی که اغلب در آزمون‌های بلند خودنمایی می‌کند اثر انباشتگی است. معمولاً ابزارهایی که از تعداد ماده‌های زیادی تشکیل می‌شوند بیش از یک سازه روان‌شناختی را مورد سنجش قرار می‌دهند. بنابراین، ادغام سازه‌های مختلف در یکدیگر و محاسبه نمره کل باعث خنثی شدن اثر سازه‌های چندگانه می‌شود. بر این اساس، ساخت مقیاس‌های کوتاه و در عین حال، پایا مورد توجه بیشتری قرار گرفته است (بشلیده، یوسفی، حقیقی و بهروزی، ۱۳۹۱). علاوه بر این، مشابه بودن سؤالات مقیاس از نظر محتوا و قابل فهم بودن سؤالات نیز می‌تواند تبیین‌کننده پایایی بالای ابزار نزدیکی رابطه باشد (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۹۰).

بررسی روایی محتوایی همسو با مطالعه اصلی دیبل و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که عبارت‌ها به خوبی نزدیکی رابطه را مورد بررسی قرار می‌دهند. بررسی ساختار عاملی با تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی نشان داد که ساختار تک عاملی مقیاس از برازش مناسبی برخوردار است. تحلیل اولیه یک عامل با ارزش ویژه بالاتر از یک را به دست می‌داد که ۶۳/۳۹ درصد واریانس را تبیین می‌کرد. مقایسه ساختار به دست آمده با نسخه اصلی (دیبل و همکاران، ۲۰۱۲) نشان از عدم تغییر در ساختار عاملی داشت. آنان در پژوهش خود ساختار تک عاملی را با تحلیل عاملی اکتشافی مورد تأیید قرار دادند. در سایر مطالعات (کیمبلر و همکاران، ۲۰۱۵؛ ویلار و همکاران، ۲۰۱۷) نیز ساختار یک عاملی مورد تأیید و استفاده قرار گرفته است. در تنها مطالعه داخلی (نادری نوبندگانی، ۱۳۹۴) که از این ابزار استفاده شده است، گزارشی از بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار مشاهده نشد. بنابراین با توجه به نتایج پژوهش حاضر و سایر مطالعات، می‌توان گفت تفاوت‌های فرهنگی در بافت‌های گوناگون تغییراتی در ساختار اصلی مقیاس ایجاد نکرده و هیچ سؤالی در مطالعه حاضر نیز حذف نشد. با توجه به تک‌بعدی بودن مقیاس نزدیکی رابطه و شواهد حمایت‌کننده از

ساختار تک‌عاملی (دیبل و همکاران، ۲۰۱۲؛ کیمبلر و همکاران، ۲۰۱۵ و ویلار و همکاران، ۲۰۱۷)، این موضوع می‌تواند قابل استنباط باشد که هر چند چندبعدی بودن مقیاس‌های مختلف از لحاظ تئوریک و تمایز میان جنبه‌های مختلف آن‌ها سودمند است، اما چندگویه-ای و تک‌بعدی بودن ابزار نزدیکی رابطه که مبتنی بر مبانی نظری و مفهوم‌سازی‌های موجود (آرون و همکاران، ۱۹۹۱ و برسچید و همکاران، ۱۹۸۹) طراحی شده، می‌تواند نشان‌دهنده ماهیت اساسی و یکپارچه نزدیکی بین‌فردی، کاربردپذیری عمومی آن و درک مشترک از این مفهوم در جمعیت‌های مختلف و انواع گوناگونی از روابط باشد. نتایج این مطالعه و تأیید ساختار تک‌عاملی با مبانی نظری موجود نیز قابل تبیین است. چرا که نزدیکی مفهومی پیوسته و نه یک پدیده همه یا هیچ است (آرون و فرالی، ۱۹۹۹). علاوه بر این و مطابق با پیشینه، نزدیکی مفهومی منفرد است که در پیوستاری از غریبه‌های کاملاً از هم مستقل تا افرادی که افکار، عواطف و رفتارهایشان کاملاً درهم تنیده است، دیده می‌شود (کلی و همکاران، ۱۹۸۳). ماکسول (۱۹۸۵) در پژوهش خود با هدف طراحی مقیاسی رفتاری برای اندازه‌گیری نزدیکی رابطه نیز ساختاری تک‌عاملی به دست آورد. وی مطرح کرد که وابستگی متقابل که تعریف نزدیکی رابطه در این مطالعه نیز بر اساس همین مفهوم پردازی است، ممکن است تنها شاخص و مفیدترین نشانگر نزدیکی رابطه باشد. در مجموع به نظر می‌رسد مقیاس مورد نظر می‌تواند نزدیکی رابطه را در قالب یک عامل و نمره کلی در گروه‌های مختلف و به صورت مناسبی مورد بررسی قرار دهد.

در پژوهش حاضر، برای بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس نزدیکی رابطه از شاخص‌های نظریه سؤال-پاسخ نیز استفاده شد. برآوردها نشان داد که پارامتر تمیز تمامی عبارت‌ها در سطح بالایی قرار دارد و مقیاس دارای عبارت‌هایی است که می‌تواند تمام طیف توانایی را مورد اندازه‌گیری قرار دهد. به عبارت دیگر عبارت‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که می‌توانند برای افراد با توانایی‌های مختلف اثر متمایزی در افتراق در سازه مکنون مورد نظر را داشته باشند. به منظور بررسی مناسب بودن یا نبودن سؤالات از تابع آگاهی سؤال استفاده شد. نتایج نشان داد که عبارت‌های ۲، ۷ و ۸ از آگاهی‌رسانی نسبتاً پایینی برخوردار هستند و توزیع مناسبی از طبقه پاسخ‌ها بر حسب صفت صورت نگرفته است. بررسی منحنی آگاهی‌آزمون نشان می‌دهد که بیشترین میزان آگاهی‌دهندگی این آزمون در دامنه‌ی توانایی ۰ تا ۱/۵- بوده و بیشینه مقدار آگاهی آن نیز در سطح توانایی ۱/۲۰- و برابر ۲۳ می‌باشد. این

بدان معنی است که این مقیاس در سطوح پایین صفت مکنون از آگاهی‌دهندگی بالایی برخوردار است. مقایسه ویژگی‌های سؤالات بر اساس نظریه کلاسیک (CTT) و سؤال-پاسخ (IRT) نشان داد که بر اساس نظریه کلاسیک، سوال ۱۱ (رابطه ام با دوستانم در زندگی برایم مهم است) دارای بیشترین و سؤال ۸ (من و دوستانم کارهای زیادی را با هم انجام می‌دهیم) دارای کمترین همبستگی با نمره کل (ضریب تمیز) بودند. اما برآورد ضریب تمیز بر اساس نظریه سؤال-پاسخ (IRT) نشان داد که سوال ۴ (من و دوستانم ارتباط مستحکمی داریم) بیشترین و سؤال ۸ کمترین ضریب تمیز را دارا هستند. مقایسه تابع آگاهی سؤالات در شکل ۴ نشان می‌دهد که سوال ۴ از آگاهی‌دهندگی بیشتری نسبت به سوال ۱۱ برخوردار است. علاوه بر آن مقایسه میانگین سؤالات در جدول ۱ نشان می‌دهد که عبارت ۴ میانگین بالاتری نسبت به عبارت ۱۱ دارد (۵/۰۷ در برابر ۴/۴۱). بارهای عاملی استاندارد در تحلیل عاملی تأییدی در جدول ۱ نیز موید آن است که عبارت ۴ در مقایسه با عبارت ۱۱ تبیین بیشتری را از سوی سازه مکنون نزدیکی روابط کسب کرده است (۰/۹۰ در برابر ۰/۷۱). منحنی‌های پاسخ-طبقه در شکل ۴ نیز نشان می‌دهند که سطوح پاسخ‌ها در عبارت ۴ نسبت به عبارت ۱۱، به میزان بیشتری می‌تواند تفاوت سطوح توانایی را پوشش دهد. بر این اساس به نظر می‌رسد «مستحکم بودن روابط میان دوستان» سهم بیشتری در تبیین نزدیکی رابطه دوستانه بر عهده دارد. در مقابل عبارت ۸ دارای کمترین همبستگی با نمره کل (۰/۶۰) و کمترین بار عاملی (۰/۶۵) در چارچوب نظریه کلاسیک (CTT) و کمترین ضریب تمیز (۱/۵۱) و آگاهی‌دهندگی (شکل ۴) است. چنین به نظر می‌رسد که «انجام کارهای زیاد در همکاری با یکدیگر» کمترین نقش را در تبیین نزدیکی رابطه دوستانه دارد.

نتایج بررسی روایی همگرا نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری میان نزدیکی رابطه با احساس تعلق به دوستان و رضایت از زندگی وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش بامیستر و لری (۱۹۹۵) همسویی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که انسان‌ها به عنوان موجوداتی اجتماعی به طور ذاتی برانگیخته می‌شوند تا با دیگران به صورت معناداری پیوند داشته باشند. در نتیجه این پیوند، حسی از تعلق و یکپارچگی با دیگران در افراد شکل می‌گیرد و احساس تعلق، در نهایت سلامت هیجانی، روان‌شناختی و به طور کلی بهزیستی و رضایت از زندگی را به همراه دارد (بامیستر و لری، ۱۹۹۵). دانشجویانی که از روابط نزدیک بیشتری

برخوردار هستند و پیوندهای هیجانی عمیق‌تری با یکدیگر دارند، نقش عوامل محافظت-کننده را برای یکدیگر ایفا می‌کنند. خصوصاً در شرایطی که خیلی از دانشجویان از والدین خود دور هستند و مسائلی مانند غم غربت و یا چالش‌های دیگر، نگرانی‌های مهم و تحولی این دوره را شکل می‌دهند، روابط نزدیک و صمیمانه با افزایش احساس انسجام اجتماعی و عضو گروه بودن، تسهیل فرایند هویت‌یابی، احساس حمایت اجتماعی از طرف دانشگاه و افزایش رفتارهای کمک‌طلبی، رضایت از زندگی را برای دانشجویان به همراه دارند. بر این اساس به نظر می‌رسد مقیاس نزدیکی رابطه از روایی مناسبی در ارتباط با سازه‌های همگرا برخوردار است.

سایر نتایج در خصوص روایی واگرا نشان از وجود ضریب همبستگی منفی بین مقیاس نزدیکی رابطه با احساس تنهایی اجتماعی و افسردگی داشت. همسو با مطالعات پیشین (دیل و همکاران، ۲۰۱۲)، میزان احساس تنهایی اجتماعی و افسردگی در بین دانشجویانی که نزدیکی رابطه بیشتری را گزارش کردند، پایین بود و برعکس. یک تبیین احتمالی در این زمینه می‌تواند بیان این نکته باشد که نزدیکی رابطه در میان دوستان نه تنها نشان‌دهنده این است که افراد می‌توانند شنونده‌های خوبی برای یکدیگر باشند بلکه با بیان مشکلات مشابه، نوعی همدلی شکل می‌گیرد که افراد را در پذیرش و شناخت مشکل توانمندتر می‌سازد. نوجوانان از طریق صحبت کردن با دوست خود و شکل‌دهی یک رابطه نزدیک در می‌یابند که دیگران نیز مانند آن‌ها امیدها، ترس‌ها و تردیدهایی دارند (محمودی، ۱۳۸۶). در جامعه عمدتاً جمع‌گرایی نظیر ایران که ساختارهای جمعی و گروهی اهمیت و اولویت فراوانی دارد (شکیبا، بهرامی و کاوه فارسانی، ۱۳۹۰)، جدایی از سیستم خانواده، ضرورت داشتن پیوندهای نزدیک با گروه همسالان را دوچندان می‌کند و نقش مهمی در پیشگیری از تجربه احساس تنهایی که در اواخر نوجوانی و اوایل ۲۰ تا ۳۰ سالگی به اوج خود می‌رسد (برک، ۱۳۹۱)، ایفا می‌کند.

بررسی تفاوت‌های جنسیتی در پژوهش حاضر نشان داد که تفاوت معناداری میان دو جنس در نزدیکی رابطه وجود دارد و مقایسه میانگین‌ها نشان داد که زنان از میانگین بالاتری برخوردار بودند. این یافته با برخی پژوهش‌ها در بافت ایرانی و نیز فرهنگ‌های دیگر همسویی دارد (دانشورپور، تاجیک اسماعیلی، شهرآرای، فرزاد و شکری، ۱۳۸۶؛ حجازی و فرتاش، ۱۳۸۵؛ گایل و پریس، ۲۰۰۲ و لوینسون، کارستنسن و گاتمن، ۱۹۹۴). در تبیین

فراوانی سطوح نزدیکی رابطه در میان زنان می‌توان گفت که زنان صرفاً به این دلیل صمیمانه-تر عمل می‌کنند و احتمالاً بیشتر در جستجوی روابط نزدیک هستند که این روابط صمیمانه و نزدیک به شیوه‌ای زنانه و جهت‌دار مفهوم‌سازی و اندازه‌گیری شده است و اگر در این تعاریف، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی نیز گنجانده شود، مردان نیز به اندازه زنان صمیمیت نشان می‌دهند (راولینز، ۱۹۹۳؛ نقل از خمسه و حسینیان، ۱۳۸۷). نتایج طرح ملی سیمای زندگی نیز می‌تواند به صورت ضمنی تأیید کننده این یافته در بافت دانشجویان ایرانی باشد. یافته‌های این طرح ملی نشان داد که درگیری‌های فیزیکی، لفظی و احساس عدم دریافت حمایت اجتماعی در میان دانشجویان پسر ایرانی بیش از دانشجویان دختر گزارش شده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷). در تبیین موضوع می‌توان به این نکته اشاره کرد که دانشجویان پسر با موانعی در روابط نزدیک خود روبرو هستند. امکان دارد که آن‌ها احساس کنند که با دوستان خود در حالت رقابت هستند و بنابراین مایل نباشند ضعف‌های خود را افشا کنند یا ممکن است نگران باشند که اگر چیزی را درباره خودشان فاش کنند، دوستان آن‌ها متقابلاً این کار را نکنند. به همین دلیل احتمالاً نزدیکی رابطه کمتری در میان آن‌ها مشاهده می‌شود. از طرف دیگر، چون تعادل قدرت و تبادل آرا برای روابط نزدیک خوب اهمیت دارد، زنان عموماً روابط نزدیک خود را مثبت‌تر از مردان ارزیابی می‌کنند (برک، ۱۳۹۱) و برای این‌گونه روابط ارزش بیشتری قائل می‌شوند (ریچاردسون، ۱۹۸۸). بنابراین تجارب اجتماعی شدن متفاوت، سبب می‌شود زنان و مردان رویکردی متفاوت به دنیا داشته باشند. تمایل و توانایی مراقبت از دیگران یک معیار خودارزشیابی برای بسیاری از زنان (مارکوس و کیتایاما، ۱۹۹۱) و گرایش به استقلال و خودمختاری، ویژگی کلیدی بسیاری از مردان در روابط است (حجازی و فرتاش، ۱۳۹۵).

در مجموع به نظر می‌رسد با توجه به کوتاه و تک‌بعدی بودن، سهولت اجرا و نمره‌گذاری و نیز روایی و پایایی مناسب مقیاس نزدیکی رابطه، مقیاس مذکور ابزار مناسبی برای سنجش و ارزیابی نزدیکی رابطه با دوستان در میان دانشجویان به شمار می‌آید و می‌توان از آن در تحقیقات مربوط به نقش کیفیت روابط در پیشگیری از مشکلات ارتباطی دانشجویان استفاده کرد. این مقیاس گزینه مناسبی برای آن دسته از پژوهشگرانی است که خواهان استفاده از ابزاری معتبر و قابل‌کار بست در انواع مختلف ارتباطات برای محاسبه یک نمره منفرد و کلی از نزدیکی در روابط هستند. تعداد کم نمونه پژوهش و استفاده صرف از

ابزار خود گزارشی از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود که تعمیم نتایج را به سایر گروه‌ها با محدودیت روبرو می‌سازد. به نظر می‌رسد در پژوهش‌های آتی می‌توان با استفاده از این مقیاس، ارتباط نزدیکی رابطه را با موضوعاتی چون بهزیستی روان‌شناختی، رضایت شغلی و ... بررسی کرد. با توجه به گسترش استفاده دانشجویان از فضای مجازی بررسی نحوه‌ای که روابط نزدیک، کارکردهای تعاملاتی شبکه‌های اجتماعی را شکل می‌دهند نیز از جمله مواردی است که در پژوهش‌های آتی می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. افزون بر این با توجه به قابلیت کاربرد این ابزار در انواع مختلفی از روابط پیشنهاد می‌شود این مقیاس علاوه بر استفاده در بافت روابط دوستی، در روابط دیگر از جمله روابط زناشویی، روابط بین والدین و نوجوانان و روابط بین همکاران نیز استفاده شود.

منابع

- برک، لورا (۱۳۹۱). *روان‌شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی)*، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ارسباران.
- بشلیده، کیومرث؛ یوسفی، ناصر؛ حقیقی، جمال و بهروزی، ناصر (۱۳۹۱). بررسی ساختار عاملی مقیاس عزت‌نفس روزنبرگ با سه شکل واژه‌پردازی مثبت و منفی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز. *مطالعات روان‌شناسی تربیتی*، ۹(۱۵)، ۶۶-۴۱.
- بیرامی، منصور و کشاورزی، سمیه (۱۳۹۴). پیش‌بینی احساس غربت بر اساس سبک‌های دلبستگی و ارتباط با همسالان در دانشجویان دختر. *مجله دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۴(۲)، ۱۳۷-۱۵۲.
- حبیب‌پور، کرم و صفری، رضا (۱۳۹۰). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی (تحلیل داده‌های کمی)*. تهران: انتشارات متفکران.
- حجازی، الهه و فرتاش، سهیلا (۱۳۸۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی. *مجله پژوهش زنان*، ۴(۳)، ۷۶-۶۱.
- خمسه، اکرم و حسینیان، سیمین (۱۳۸۷). بررسی تفاوت‌های جنسیتی بین ابعاد مختلف صمیمیت در دانشجویان متأهل. *مطالعات زنان*، ۶(۱)، ۵۲-۳۵.
- دانشورپور، زهره؛ تاجیک اسمعیلی، عزیزالله؛ شهرآرای، مهرناز؛ فرزاد، ولی‌الله و شکر، امید (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسی در صمیمیت اجتماعی: نقش سبک‌های هویت. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۳(۴)، ۴۰۴-۳۹۳.

دولت‌شاهی، بهروز؛ یعقوبی، حمید؛ ریاضی، سیدابوالحسن؛ پیروی، حمید؛ حسن‌آبادی، حمیدرضا؛ پورشریفی، حمید؛ ظفر، مسعود؛ فلاح‌دوست، مژگان؛ حمیدپور، حسن و صبحی قراملکی، ناصر (۱۳۹۵). ساخت و اعتباریابی «مقیاس ملی سیمای زندگی دانشجویان»: مطالعه‌ی مقدماتی. فصلنامه‌ی پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۷(۳)، ۱۱۵-۱۲۵.

رایس، فیلیپ (۱۳۸۷). *رشد انسان (روان‌شناسی از تولد تا مرگ)*، ترجمه مهشید فروغان، تهران: انتشارات ارجمند.

سلیمانی، زهره؛ حجازی، الهه؛ نقش، زهرا و لاری، نرجس (۱۳۹۸). ساخت و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی ابزار نشانگرهای بزرگسالی در جمعیت دانشجویی: روایی و پایایی. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۹(۳۵)، ۱۵۹-۱۳۳.

شکیبا، عباس؛ بهرامی، فاطمه و کاوه فارسانی، ذبیح‌الله (۱۳۹۰). بررسی ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس فردگرایی-جمع‌گرایی اوکلند (AICS). دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۲(۳)، ۳۰-۲۰.

صادقی، منصوره السادات؛ یعقوبی، حمید؛ ظفر، مسعود و پیروی، حمید (۱۳۹۷). طرح ملی سیمای زندگی دانشجویان دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (مقایسه‌ی روند تغییرات نتایج سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶). تهران: دفتر مرکزی مشاوره و سلامت وزارت علوم.

صادقی، منصوره سادات و موتابی، فرشته (۱۳۹۷). *مدیریت روابط بین فردی دختر و پسر*. تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی.

صالح‌زاده، مریم؛ فلاحی، معصومه و رحیمی، مهدی (۱۳۹۶). نقش عملکرد خانواده، دلبستگی به همسالان و عملکرد تحصیلی در پیش‌بینی شادکامی دختران نوجوان. پژوهش‌نامه روان‌شناسی مثبت، ۲(۴)، ۷۸-۶۵.

محمودی قهساره، ملیحه (۱۳۸۶). بررسی رابطه بین پایگاه‌های هویتی و سبک عشق‌ورزی به دوست غیرهم‌جنس در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران.

مصطفی‌نژاد، لیلا و امینی، میترا (۱۳۸۳). بررسی ارتباط بین تحصیل و سلامت روانی در دو گروه دانشجویان سال اول و آخر دانشکده‌ی علوم پزشکی جهرم. *فصلنامه‌ی اصول بهداشت روانی*، ۶(۲۱)، ۷۶-۷۱.

نادری نوبندگان، زهرا (۱۳۹۴). اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی-سازه‌گرا بر پردازش بین فردی، رابطه متقابل، نزدیکی رابطه و سازگاری زوجی در زوج‌های آشفته. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز.

- Altman, I., & Taylor, D. A. (1973). *Social penetration: The development of interpersonal relationships*. Holt, Rinehart & Winston.
- Aron, A., & Fraley, B. (1999). Relationship closeness as including other in the self: Cognitive underpinnings and measures. *Social Cognition*, 17(2), 140-160.
- Aron, A., Aron, E. N., & Smollan, D. (1992). Inclusion of other in the self-scale and the structure of interpersonal closeness. *Journal of personality and social psychology*, 63(4), 596-612.
- Aron, A., Aron, E. N., Tudor, M., & Nelson, G. (1991). Close relationships as including other in the self. *Journal of personality and social psychology*, 60(2), 241.
- Baumeister, R. F., & Leary, M. R. (1995). The need to belong: desire for interpersonal attachments as a fundamental human motivation. *Psychological bulletin*, 117(3), 497.
- Berscheid, E., Snyder, M., & Omoto, A. M. (1989). The relationship closeness inventory: Assessing the closeness of interpersonal relationships. *Journal of personality and Social Psychology*, 57(5), 792.
- Cacioppo, J. T., Hawkley, L. C., & Berntson, G. G. (2003). The anatomy of loneliness. *Current directions in psychological science*, 12(3), 71-74.
- Cohen, S. (2004). Social relationships and health. *American Psychologist*, 59(8), 676-684.
- Collins, W. A., & Steinberg, L. (2006). Adolescent development in interpersonal context N. Eisenberg, W. Damon, RM Lerner (Eds.), *Handbook of child psychology: Vol. 3. Social, emotional, and personality development*.
- De Goede, I. H., Branje, S. J., & Meeus, W. H. (2009). Developmental changes and gender differences in adolescents' perceptions of friendships. *Journal of Adolescence*, 32(5), 1105-1123.
- Demir, M. (2010). Close relationships and happiness among emerging adults. *Journal of Happiness Studies*, 11(3), 293-313.
- Dibble, J. L., Levine, T. R., & Park, H. S. (2012). The Unidimensional Relationship Closeness Scale (URCS): Reliability and validity evidence for a new measure of relationship closeness. *Psychological assessment*, 24(3), 565.

- Diener, E., & Seligman, M. E. (2002). Very happy people. *Psychological Science*, 13(1), 81-84.
- Fletcher, G. (2002). *The new science of intimate relationships*. Oxford: Blackwell Publishers Ltd.
- Foster, G. (2005). Making friends: A non-experimental analysis of social pair formation. *Human Relations*, 58(11), 1443-1465.
- Gale, T., & Parker, S. (2014). Navigating change: a typology of student transition in higher education. *Studies in Higher Education*, 39(5), 734-753.
- Gayle, B. M., & Preiss, R. W. (2002). An overview of individual processes in interpersonal communication. *Interpersonal communication research: Advances through meta-analysis*, 45-54.
- Genero, N. P., Miller, J. B., Surrey, J., & Baldwin, L. M. (1992). Measuring perceived mutuality in close relationships: Validation of the Mutual Psychological Development Questionnaire. *Journal of Family Psychology*, 6(1), 36.
- Grundmeyer, T. A. (2012). A qualitative study of the perceptions of first year college students regarding technology and college readiness. A Dissertation submitted to the degree of doctor of philosophy. Iowa State University. United States of America.
- Hess, J. A., Fannin, A. D., & Pollom, L. H. (2007). Creating closeness: Discerning and measuring strategies for fostering closer relationships. *Personal Relationships*, 14(1), 25-44.
- Holt-Lunstad, J., Robles, T. F., & Sbarra, D. A. (2017). Advancing social connection as a public health priority in the United States. *American Psychologist*, 72(6), 517.
- Holt-Lunstad, J., Smith, T. B., Baker, M., Harris, T., & Stephenson, D. (2015). Loneliness and social isolation as risk factors for mortality: a meta-analytic review. *Perspectives on Psychological Science*, 10(2), 227-237.
- Kelley, H. H., Berscheid, E., Christensen, A., Harvey, J. H., Huston, T. L., Levinger, G., & Peterson, D. R. (1983). *Close relationships* (pp. 265-314). New York: Freeman.
- Kimbler, K. J., Pierre-Canel, A., & Davis, S. R. (2015). Applying the unidimensional relationship closeness scale to older and younger adults' relationships. Oxford unive press Inc.
- Kruger, K. (2005). Relationship and relational mutuality as predictors of wellbeing and six constructs of well-being. A Dissertation submitted to the degree of doctor of philosophy. Tennessee State University. United States of America.
- Levenson, R. W., Carstensen, L. L., & Gottman, J. M. (1994). Influence of age and gender on affect, physiology, and their interrelations: A study of long-term marriages. *Journal of personality and social psychology*, 67(1), 56.
- Levine, T. R., & McCornack, S. A. (1992). Linking love and lies: A formal test of the McCornack and Parks model of deception detection. *Journal of Social and Personal Relationships*, 9(1), 143-154.

- Markus, H. R., & Kitayama, S. (1991). Culture and the self: Implications for cognition, emotion, and motivation. *Psychological review*, 98(2), 224.
- Maxwell, G. M. (1985). Behavior of lovers: Measuring the closeness of relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 2(2), 215-238.
- Newman, B. M., Lohman, B. J., & Newman, P. R. (2007). Peer group membership and a sense of belonging: their relationship to adolescent behavior problems. *Adolescence*, 42(166).
- Parks, M. R., & Floyd, K. (1996). Meanings for closeness and intimacy in friendship. *Journal of Social and Personal Relationships*, 13(1), 85-107.
- Richardson, L. (1988). Secrecy and status: The social construction of forbidden relationships. *American Sociological Review*, 209-219.
- Roth, J. L., & Brooks-Gunn, J. (2003). What exactly is a youth development program? Answers from research and practice. *Applied developmental science*, 7(2), 94-111.
- Rusbult, C. E., & Van Lange, P. A. (2003). Interdependence, interaction, and relationships. *Annual review of psychology*, 54(1), 351-375.
- Schetter, C. (2017). Moving research on health and close relationships forward—a challenge and an obligation: Introduction to the special issue. *American Psychologist*, 72(6), 511.
- Sternberg, R. J. (1988). *The triangle of love: Intimacy, passion, commitment*. Basic Books (AZ).
- Tett, L., Cree, V. E., & Christie, H. (2017). From further to higher education: transition as an on-going process. *Higher Education*, 73(3), 389-406.
- Tower, R. B., & Kasl, S. V. (1996). Gender, Marital Closeness, and Depressive Symptoms in Elderly Couples. *Journal of Gerontology: Psychological Science*, 51, 3, 115-129.
- Vilar, R., de CR Araujo, R., Coelho, G. L. D. H., Grangeiro, A. S., & Gouveia, V. V. (2017). Psychometric Properties of the Unidimensional Relationship Closeness Scale (URCS) for a Brazilian Sample. *The Spanish journal of psychology*, 20, 42-65.
- Way, N., & Greene, M. L. (2006). Trajectories of perceived friendship quality during adolescence: The patterns and contextual predictors. *Journal of Research on Adolescence*, 16(2), 293-320.
- Yew, A. (2012). *Satisfaction in Intimate Relationships: Investigating Attachment and Closeness Using a Mediation Model Interpersonal*. A dissertation submitted to the degree of Master of Arts. Simon Fraser University. Canada.